

## **Country divisions and the current modernization and centralization in the period of Reza Shah 1304-1320**

**Farshid Noroozi<sup>\*</sup>, Hoshang Khosrobeagi<sup>\*\*</sup>**

**Nezamali Dehnavi<sup>\*\*\*</sup>, Alireza Ali Soufi<sup>\*\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

The policy of centralization and the implementation of modernization programs were put on the agenda in the form of various programs and different forms during the Reza Shah period. During this period, the implementation of programs and laws such as the mandatory duty system, civil registry, the discovery of hijab, the Settlement of nomads, the new judicial system, the registration of documents and properties, tax affairs ,and so on. It was necessary to organize the divisions of the country in a modern framework. Therefore, Reza Shah changed the structure of the country's divisions to implement his goals. This research is trying to answer the main question, what was the process of changes in the country's divisions during Reza Shah's period ,and what was its relationship with the goals of modernization and centralization in this period? The research method in this study is the historical method with a descriptive-analytical approach and relies on archival documents, periodicals ,and written sources. The findings of this research showed that the changes in the field of country divisions in this period greatly increased the political concentration and influence of the government

\* PhD student, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran, (Corresponding Author)  
Farshidnoroozi20@student.pnu.ac.ir

\*\* Associate Professor, Department of History , Payame noor university, Tehran, Iran, kh\_beagi@pnu.ac.ir

\*\*\* Assistant Professor, Department of History , Payame noor university, Tehran, Iran,  
N\_dehnavi@pnu.ac.ir

\*\*\*\* Associate Professor, Department of History , Payame noor university, Tehran, Iran, ar.sofi@pnu.ac.ir

Date received: 2022/12/14, Date of acceptance: 2023/07/10



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

from the provinces to the villages. After that, the modernist policies of the government gained more momentum in various economic, administrative, and educational fields especially the strengthening and development of the new army.

**Keywords:** country divisions, modernization, centralization, Reza Shah.

## تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و نوسازی در دوره رضاشاه ۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش

فرشید نوروزی\*

هوشنگ خسرو بیگی\*\*، نظام علی دهنوی\*\*\*، علیرضا علی صوفی\*\*\*\*

### چکیده

سیاست تمرکزگرایی و اجرای برنامه‌های نوسازی در دوره رضاشاه، در قالب برنامه‌های گوناگون و به صورت مختلف در دستور کار قرار گرفت. در این دوره، اجرای برنامه‌ها و قوانینی چون نظام‌وظیفه اجباری، سجل احوال، کشف حجاب، تخته‌قاچو کردن عشایر، نظام قضایی جدید، ثبت اسناد و املاک، امور مالیاتی و... نیازمند سازماندهی تقسیمات کشوری در چارچوب مدرن بود. از این رو، رضا شاه برای اجرای اهداف خود، به ایجاد تحول در ساختار تقسیمات کشوری اقدام نمود. مساله این تحقیق تاثیر جریان نوسازی و سیاست های تمرکزگرایانه دوره رضا شاه بر روند تقسیمات کشوری است. رویه ای که روال پیشینی را دچار دگرگونی ساخته است. روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی، نشریات ادواری و منابع مکتوب است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تغییرات در حوزه تقسیمات کشوری در این دوره، تمرکز سیاسی و نفوذ حکومت از استان‌ها تا روستاها را بسیار افزایش داد. به دنبال آن سیاست‌های نوگرایانه حکومت در

\* دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

farshidnoroozi20@gmail.com

\*\* دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، kh\_beagi@pnu.ac.ir

\*\*\* استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ndehnavi@pnu.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ar.sofi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹



حوزه‌های مختلف اقتصادی، اداری، آموزشی و به‌خصوص تقویت و توسعه ارتش نوین شتاب  
بیش‌تری گرفت.

**کلیدواژه‌ها:** تقسیمات کشوری، نوسازی، تمرکزگرایی، رضاشاه.

## ۱. مقدمه

تقسیمات داخلی قلمرو جغرافیایی هر حکومت یا نظام تقسیمات کشوری، بخشی از حوزه مطالعات تشکیلات اداری محسوب می‌شود. تشکیلات اداری ایران دارای سابقه طولانی در حوزه تقسیمات کشوری و نظام اداری سرزمینی است و تنها اقتضائات هر دوره‌ای سبب تغییرات جزئی در ساختار کلی آن شده است. حکومت‌های شکل‌گرفته در ادوار مختلف تاریخ ایران برای اداره بهتر امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی از الگوهای تقسیمات کشوری موجود بهره برده‌اند؛ اما در تطابق با شرایط جدید، برخی تغییرات نیز اجرایی نموده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، استمرار و تداوم از وجوه پابرجا در بخش نظام تقسیمات کشوری ایران است.

در دوره قاجاریه پس از ارتباط گسترده ایرانیان با دنیای غرب، ساختار دیوان‌سالاری و تشکیلات اداری ایران دچار تحول و دگرگونی گردید. در این راستا، یکی از وجوه برجسته انقلاب مشروطیت، خواست روشنفکران و اندیشمندان ایرانی جهت تمرکز بیشتر نظام اداری و تغییر و تحول در حوزه تشکیلات دیوانسالاری بود. اما اقدامات طرف‌داران استبداد و نیز تبعات جنگ جهانی اول سبب شد که تحولات عمده‌ای در این حوزه صورت عملی به خود نگیرد.

با روی کار آمدن سلسله پهلوی تغییرات چشمگیری در حوزه تقسیمات سرزمینی و ساختار اداری مناطق باتکیه بر تمرکزگرایی و حمایت از برنامه‌های نوگرایانه صورت گرفت که ساختارهای پیشینی را دچار دگرگونی ساخت. حکومت ایران در دوره رضا شاه که برآمده از نظام ایلیاتی نبود، پس از استقرار به دنبال نوسازی در عرصه‌های اداری، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و صنعتی بود. بنابر این همگام با تحولات در سایر ارکان حکومت، اقداماتی جهت سازماندهی نظام مدیریت تقسیمات کشوری صورت گرفت. مساله این تحقیق تاثیر جریان نوسازی و سیاست‌های تمرکزگرایانه دوره رضا شاه بر روند تقسیمات کشوری است. رویه‌ای که روال پیشینی را دچار دگرگونی ساخته است.

روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی، نشریات ادواری و منابع مکتوب است. در باب پیشینه پژوهش بایستی

بیان داشت که تا کنون مطالعاتی انجام نشده است. زهرا احمدی پور و علیرضا منصوریان در مقاله‌ای با عنوان تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۵) رابطه بین الگوی تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی بین دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند، ولی در این پژوهش به رابطه بین تقسیمات کشوری و نوسازی و تمرکز سیاسی پرداخته نشده است. حامد نوحه‌خوان نیز در مقاله‌ای با عنوان «معیارهای تقسیمات کشوری در دوره پهلوی» به بررسی روند تغییرات تقسیمات کشوری ایران از سال ۱۲۸۵ ش تا پایان حکومت پهلوی دوم می‌پردازد. وی در بخش مربوط به تقسیمات کشوری دوره رضا شاه تنها به بررسی مختصر تأثیرگذاری عامل تثبیت حاکمیت حکومت مرکزی و دربار دوره رضاشاه در تحول تقسیمات کشوری این دوره می‌پردازد.

## ۲. ضرورت تغییرات در وزارت داخله

ساختار سیاسی حاکم بر دوره قاجاریه به واسطه توانایی فردی آقامحمدخان و کمک و همراهی ایل قاجار شکل گرفته بود. از این رو، شاهان قاجار برای اداره این ساختار سیاسی، حکمرانی ایالات و ولایات را در قبال دریافت مبالغی به شاهزادگان قاجار واگذار می‌کردند و در مقابل، آنان در نحوه اداره مناطق تحت حاکمیت خود آزادی عمل فراوان داشتند (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۳۲). در این شیوه حکمرانی، ترکیبی از نظام‌های سیاسی متمرکز و مرکزگرایز ایجاد شد که از یک سو شاهزادگان در مقام نمایندگان حکومت مرکزی ملزم به اطاعت و انجام تعهدهایی نسبت به شخص شاه بودند، اما از سوی دیگر، در اداره مناطق تحت حاکمیتشان قدرت نامحدود داشتند و چندان به حکومت مرکزی پاسخگو نبودند.

با شکل‌گیری انقلاب مشروطه و تمایل فراوان به تمرکزگرایی در ایران در سال‌های منتهی به پایان حکومت قاجاریه و آغاز حکومت پهلوی، به خاطر شرایط نامناسب در دوره پس از جنگ جهانی اول ایجاد نوعی از نظام متمرکز سیاسی را دشوار کرد. بنابر این، برای شکل‌گیری حکومت مرکزی مقتدر در دوره سلطنت رضا شاه تأسیس نهادهای جدید و فراهم آوردن ابزارهایی چون ۱- ایجاد ارتش دائمی نیرومند ۲- تشکیل دیوانسالاری کارآمد و متمرکز ۳- احداث شبکه حمل و نقل گسترده و منظم لازم و ضروری به نظر می‌رسید.

در این میان، تشکیل دیوانسالاری کارآمد و متمرکز که مجری برنامه‌های نوگرایانه حکومت مرکزی باشد، اهمیت زیادی داشت. لازمه تحقق این دیوانسالاری، تغییر تشکیلات

اداری در راستای اهداف فوق بود. یکی از مهمترین بخش وزارتخانه‌ای که تغییرات آن تأثیرات خود را بر دیگر بخش‌ها می‌نهاد، وزارت داخله بود. این تغییرات در چهار شکل قابل‌شناسایی است:

۱. تغییرات در ساختار اداری در تشکیلات وزارت داخله در مرکز
۲. تغییرات در ساختار تقسیمات کشوری
۳. تغییر در اصطلاحات و عناوین اداری و نیز نام‌های شهرها و روستاها
۴. تغییرات در شرح وظایف و اختیارات صاحب‌منصبان و متصدیان امور

### ۳. تغییر ساختار وزارت داخله و تدوین نظام‌نامه وظایف حکام در راستای نوسازی اداری و ایجاد تمرکز سیاسی در پایتخت

بر اساس ضرورت‌های پیش‌گفته و در راستای سیاست‌های نوسازی حکومت، اساسنامه وزارت داخله‌ای که وظیفه مدیریت تقسیمات کشوری دوره پهلوی اول را بر عهده داشت، با توجه به تحولات اداری ایجاد شده در سال‌های آغازین این حکومت در سال ۱۳۱۰ ش و در ایام وزارت داخله علی‌منصور از نو نوشته شد.

بر اساس این اساسنامه، وزارت داخله به شش قسمت ۱- «قسمت مرکزی وزارتخانه» ۲. «ادارات ایالتی و ولایتی» ۳- «نظمیه» ۴- «بلدیه‌ها» ۵- «احصائیه و سجل احوال» ۶- «صحیه» تقسیم شد. به منظور افزایش تمرکز اداری، قسمت «ادارات ایالتی و ولایتی» ایجاد شد که وظیفه هدایت و راهبری «ایالات»، «ولایات»، «بلوک» و «دهات» ایران را که در ماده هشتم این اساسنامه با عنوان «حوزه‌بندی اداری و تشکیلات ایالات و ولایات مملکت ایران» به آن پرداخته شده بود را بر عهده داشت. در این ماده، بر اساس تحولات شتابان سیاسی ایران، تعریف جدیدی از حوزه‌بندی اداری و تشکیلات مملکت ایران ارائه شده است (ساکما: ۲۹۲۰۰۵۴۰۹).

«ادارات ایالتی و ولایتی وزارت داخله» در مرکز به عنوان یک اداره نوین‌یاد شامل «اداره جنوب»، «اداره شمال»، «اداره شرق»، «اداره غرب» و «اداره مرکز» بود که هر قسمت وظیفه نظارت و راهبری امور ایالات زیرمجموعه این مناطق را به عهده داشت (کیهان، ۱۳۱۱: ۱۲۶). این بخش از وزارت داخله، پیش از این با نام «شعبه تحریرات» با وظایف بسیار

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۲۱

محدودتر فعالیت داشت و اکنون به اداره تغییر نام یافته بود. (ساکما: ۲۹۳۰۰۰۴۹۱، ساکما: ۲۹۰۰۰۱۹۶۳).

روند تغییرات عناوین ادارات متوقف نشد. ظاهراً بسیار زود نام‌های متأثر از جهت‌های جغرافیایی، جای خود را به «اول» و «دوم» و .. داد. مثلاً به‌جای «اداره شمال» در سربرگ نامه وزارت داخله، از «اداره اول» استفاده شده است که نشان می‌دهد «ادارات شمال، جنوب، شرق و غرب» به «ادارات اول، دوم، سوم و چهارم» تغییر نام داده‌اند (ساکما: ۲۴۰۹۶۵۰۸). دوره سوم تغییرات عناوین، به فاصله حدود چهار سال بعد روی داد. بررسی‌ها نشان داد که از سال ۱۳۱۵ش. این ادارات چهارگانه ایالتی و ولایتی در وزارت داخله به «اداره کل امور کشوری» که وظیفه نظارت بر اسکان و عمران، تابعیت و آمار، انتظامات، امور سیاسی و سایر امور مربوط به وزارت داخله تمام ایالات و ولایات را به عهده داشت، تغییر نام داد (ساکما: ۲۹۱۰۰۲۰۰۲؛ ساکما ۲۹۳۴۱۴۶۲؛ ساکما: ۲۹۳۰۰۴۴۵۵). این تغییرات نشان‌دهنده بازنگری مداوم در تشکیلات اداری وزارت داخله و افزایش اختیارات و تمرکز بیشتر در مرکز و نیز والی در ایالت در این دوره است.

به دنبال این تغییرات و به منظور ایجاد یک ساختار متمرکز بالا به پایین، تقسیمات کشوری باز تعریف شد. «ایالت» مرکب از چند «حوزه ولایتی» تعریف شد که بنا بر مقتضیات محلی و اداری به ریاست یک نفر «والی» اداره می‌شد. همچنین برای اجرای سیاست‌های نوین حکومت پهلوی برای هر «ایالت» یک نفر «والی»، برای هر «ولایت» یک نفر «حاکم»، و در رأس هر «بلوک» یک نفر «نایب‌الحکومه» و برای هر «ده» یک نفر «کلخدا» تعیین شد. علاوه بر این، وزارت داخله این اجازه را داشت که وظایف «بلدی» و «احصائیه» هر یک از شهرها را که از نتایج اجرای سیاست‌های نوگرایانه در این دوره بود، ضمیمه شغل والی و حاکم نماید. از آنجایی که تعیین حدود و تقسیم‌بندی کشوری جزو وظایف مجلس شورای ملی بود، در این اساسنامه مقرر شد که حوزه‌بندی مملکت در جدول معینی تنظیم و نقشه رسمی آن با امضا و تصدیق وزارت داخله و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم گردد (ساکما: ۲۹۲۰۰۵۴۰۹).

در کنار نوسازی در ساختار وزارت داخله، نخستین اقدامات اصلاحی حوزه تقسیمات کشوری دوره پهلوی اول در سال ۱۳۰۵ش و در زمان ریاست وزرای حسن مستوفی و ایام وزارت داخله مهدی مشیر فاطمی صورت گرفت. این در حالی بود که وزارت داخله دولت‌های پس از مشروطه و نیز وزارت داخله دولت‌های بعد از سلطنت رضا شاه، بر اساس

«قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» سال ۱۲۸۶ ش نسبت به اداره ایالت‌ها و ولایت‌های کشور ایران اقدام می‌کردند.

ایران بعد از مشروطه و خصوصاً از دوره ریاست وزرایی رضاخان و ایام سلطنت وی دستخوش تحولات گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف شد و مدیریت این تحولات در سطح ایالات و ولایات نیازمند ساختارها، قوانین و دستورالعمل‌های جدیدتری بود. نخستین اقدام در این راستا توسط مهدی مشیر فاطمی و وزیر داخله کابینه حسن مستوفی کلید خورد. وی که از بهمن ۱۳۰۵ لغایت اردیبهشت ۱۳۰۶ در این سمت حضور داشت و نسبت به تدوین لایحه تغییر حوزه‌بندی اداری مملکتی بر طبق اصول و قواعد مدرن اقدام و در اسفندماه ۱۳۰۵ برای تصویب یک فوریت آن تقدیم مجلس شورای ملی نمود، اما اقدامات وی به دلیل عمر کوتاه وزارتش به سرانجام نرسید و این قانون تا سال ۱۳۱۶ ش. اجرایی نشد.

رجبعلی منصور (منصور الملک) دولتمرد دیگری بود که برای نوسازی در تقسیمات کشوری ایران اقداماتی انجام داد. وی که از سال ۱۳۰۰ ش. همواره مناصب مهمی در دولت داشت و از اطلاعات ارزشمندی در حوزه‌های مختلف حکومت برخوردار بود و نیز از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ ش. در سمت والی آذربایجان، از کاستی‌های اداره امور ایالات و ولایات آگاه گردید، پس از انتخابش به‌عنوان وزیر داخله در سال ۱۳۰۸ ش، تدوین نظام‌نامه جدید وظایف حکام را آغاز کرد. این تلاش‌ها منجر به تدوین و تصویب «نظام‌نامه وظایف حکام» در ۲۵ فروردین ۱۳۱۰ و اساسنامه تشکیلات و وظایف وزارت داخله در ۲۸ فروردین همان سال در هیئت وزرا گردید.

در این نظام‌نامه، والیان هم به‌عنوان ناظر بر جریان امور در ایالت و هم به‌عنوان مجری سیاست عمومی دولت معرفی شدند. علاوه بر این، والی ناظر بر اقدامات ادارات دولتی بوده و وظیفه تطبیق خط‌مشی اساسی و اقدامات آنها با سیاست عمومی دولت را بر عهده داشت. همچنین رسیدگی به امور انتظامی و سیاسی ایالات بر عهده والیان گذاشته شد و ضمن تفویض اختیار به والیان، مراجعه به مرکز در موارد خاص نیز تجویز شد. در راستای ارتقا جایگاه حاکم ایالت، قدرت در سطح ایالات به‌صورت متمرکز در اختیار حاکمان اعزامی از مرکز قرار گرفت و رؤسای دوایر دولتی از انجام هرگونه اقدامی پیش از اخذ مجوز از والی منع شدند. باتوجه به روند شتابان تحولات در حوزه‌های سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران در این دوره و نظر به رویکرد حکومت برای تمرکز امور ایالات و ولایات در وزارت داخله؛ وظایف کارگزاری‌های وزارت خارجه در ایالات به والیان واگذار شد و آنان



تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۲۳

مکلف شدند از انجام هر عملی که مضر به سیاست خارجی و سیاست داخلی کشور باشد، جلوگیری نمایند. «نایب الحکومه‌ها» یا همان «رؤسای بلوک‌ها»، تابع «حکام ولایتی» و «حکام ولایات جزء ایالات» نیز تابع «والیان» و «حکام جزء» «غیر تابع ایالات و مستقل» ضمن داشتن تمامی این وظایف در سطح ولایات مجوز مراجعه مستقیم به وزارت داخله را نیز داشتند (ساکما: ۲۹۳۰۰۶۰۸۷؛ ساکما: ۲۹۰۰۰۶۴۰۴)

#### ۴. تغییر نام شهرها، بخش‌ها و روستاها و سیاست الحاق یا تفکیک استان‌ها، شهرها، بخش‌ها و روستاها در راستای نوسازی در نظام تقسیمات کشوری و کسب مشروعیت سیاسی

بی‌نظمی و هرج و مرج ناشی از شرایط پس از جنگ جهانی اول در ایران و درخواست برقراری نظم و امنیت از سوی جامعه، به رضاخان این امکان را داد که با تکیه بر نیروهای قزاق، سایر رقبا را از صحنه خارج کند و با برقراری امنیت، قدرت را به دست گیرد. وی برای انجام چنین کاری و نیز کسب مشروعیت سیاسی، همانند سایر حکام خودکامه، دست به ایجاد شبکه گسترده نهادهای محوری مانند پلیس و نوسازی نیروهای نظامی و ادارات و وزارت‌خانه‌ها زد. این نهادها مهمترین ابزارهای هستند که حاکمان خودکامه برای حفظ حاکمیت فردی خود به کار می‌گیرند (مدیر شانه چی، ۱۳۷۹: ۵۵). در واقع تأسیس، نوسازی و به کارگیری صحیح این نهادها در راستای اعمال حاکمیت فردی بود که به رضاخان کمک کرد تا بتواند هم مشروعیت سیاسی برای حکومت خود کسب نماید و هم حکومت مرکزی مقتدری ایجاد کند.

از این منظر، در سال‌های آغازین سلطنت رضا شاه و پیش از تدوین قانون جدید مدیریت تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ش، تحولات دیگری در حوزه تقسیمات کشوری جریان داشت که عمده آن به تغییر نام شهرها مربوط می‌شد. تغییر در عناوین شهرها و روستا، بیش‌تر از آنکه معطوف به سیاستهای تمرکز گرایانه باشد، بیشتر مربوط به عوال و دلایل دیگر است. این گونه به نظر می‌رسد که سیاست تغییر نام مناطق و شهرها با این حجم پیش از این در تاریخ ایران سابقه‌ای نداشت. بنابراین می‌توان استنباط نمود که رضاشاه در راستای نوسازی در سایر حوزه‌ها از جمله سیاسی، اقتصادی، آموزشی، اداری و صنعتی، نوسازی در حوزه تقسیمات کشوری را نیز با تغییر نام مناطق و شهرها آغاز کرد. اگرچه می‌توان این اقدام را در راستای ایجاد مشروعیت سیاسی برای حکومت جدید تحلیل کرد. در اواخر دوره قاجاریه و

حدود شش سال قبل از قدرت‌گیری رضاخان، موج جدیدی از باستان‌گرایی، عرب‌ستیزی، خالص‌سازی زبان، و حذف واژه‌های بیگانه به راه افتاد و چاپ مقالاتی در نشریات کاوه، ایرانشهر و ایران باستان به این موج دامن زد (آصف، ۱۳۸۴: ۲۴۹).

در تغییر نام شهرها در سال‌های آغازین حکومت پهلوی بیشتر از نام‌های پهلوی، شاه و شاهپور استفاده شد. نخستین تغییر نام به دستور رضاشاه به اسفندماه سال ۱۳۰۴ مربوط می‌شود که بر اساس آن نام شهر «آق‌قلعه» به «پهلوی دژ» تغییر یافت. این تغییر بنابه درخواست فرمانده تیپ مستقل شمال و موافقت رضاشاه و با ابلاغ وزارت جنگ به وزارت معارف و اوقاف صورت پذیرفت (ساکما: ۲۹۷۰۰۵۱۵۸). در همین سال، ظاهراً بنابه درخواست برخی اهالی «انزلی» و پیشنهاد حکومت گیلان و تصویب هیئت وزرا، اسم شهر «انزلی» به «بندر پهلوی» تغییر یافت (ساکما: ۲۹۱۰۰۰۲۷۹). در سال ۱۳۰۵ ش. نیز طبق درخواست برخی اهالی «قمشه» و تصویب رضاشاه، نام «قمشه» به «شهرضا» تغییر نمود (ساکما: ۲۴۰۰۱۳۸۵۳).

تغییر نام‌های موردی در سال‌های بعد نیز ادامه داشت. تلاش شده در جدول شماره یک، بخشی از این تغییرات را نشان دهیم.

جدول ۱. تغییرات نام شهرها در دوره رضا شاه

تاریخ تغییر نام	نام قدیم	نام جدید	ماخذ
۱۳۰۷	خورموسی	بندر شاپور	ساکما: ۲۴۰۰۱۱۰۲۸
۱۳۰۹	نصرت آباد	زابل	ساکما: ۲۴۰۰۱۸۵۸۲
۱۳۰۹	دزداب	زاهدان	ساکما: ۲۴۰۰۱۸۵۸۲
۱۳۰۹	کهنه شهر	تازه شهر	ساکما: ۲۳۰۰۰۰۷۸۹
۱۳۱۰	علی آباد	شاهی	ساکما: ۲۹۳۰۰۱۳۷۵
۱۳۱۱	حبیص	شهداد	ساکما: ۲۴۰۰۱۸۸۵۴
۱۳۱۱	ناصری	اهواز	ساکما: ۲۴۰۰۱۷۳۴۹
۱۳۱۲	حسین آباد پشتکوه	ایلام	ساکما: ۲۴۰۰۲۱۱۴۶
۱۳۱۴	خفاجیه	سوسنگرد	ساکما: ۲۹۷۰۳۸۴۳۳
۱۳۱۴	فلاحیه	شادگان	ساکما: ۲۹۷۰۳۸۴۳۳
۱۳۱۴	محمده	خرمشهر	ساکما: ۲۹۷۰۳۸۴۳۳
۱۳۱۴	بساتین	بستان	ساکما: ۲۹۷۰۳۸۴۳۳
۱۳۱۴	عبادان	آبادان	ساکما: ۲۹۷۰۳۹۹۹۰

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۲۵

۲۹۷۰۳۹۹۹۰: ساکما:	ایذه	مال امیر	۱۳۱۴
۲۹۷۰۳۹۹۹۰: ساکما:	هویزه	حویزه	۱۳۱۴
۲۹۷۰۳۹۹۹۰: ساکما:	دشت بن	بنی طرف	۱۳۱۴
۲۹۷۰۳۹۹۹۰: ساکما:	بندر شاه	بندر جز	۱۳۱۴
۲۹۷۰۳۹۹۹۰: ساکما:	ایرانشهر	فهرج	۱۳۱۴
۲۹۷۰۲۰۲۰۴: ساکما:	داورپناه	قلعه دیزک	۱۳۱۴
۲۹۷۰۲۰۲۰۴: ساکما:	گرگان	استرآباد	۱۳۱۴
۲۹۷۰۲۰۲۰۴: ساکما:	دشت گرگان	صحرای ترکمان	۱۳۱۴
۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸: ساکما:	فردوس	تون	۱۳۱۴
۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸: ساکما:	بابل	بارفروش	۱۳۱۴
۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸: ساکما:	شهرکرد	دهکرد	۱۳۱۴
۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸: ساکما:	کاشمر	ترشیز	۱۳۱۴
۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸: ساکما:	نوشهر	دهنو	۱۳۱۴
۲۴۰۰۲۲۹۶۹: ساکما:	رامسر	سخت سر	۱۳۱۴
۲۴۰۰۲۲۹۶۹: ساکما:	شاه آباد	هارون آباد	۱۳۱۴
۲۴۰۰۲۲۹۶۹: ساکما:	مهران	منصور و سه یک پشتکوه	۱۳۱۴
۲۴۰۰۲۲۹۶۹: ساکما:	شاهین دژ	صائین قلعه	۱۳۱۴
۲۴۰۰۲۲۹۶۹: ساکما:	ارسیاران	قراجه داغ	۱۳۱۴
۱۸۷۴۶۸۱: ساکما:	مهاباد	ساوجبلاغ مکری	۱۳۱۴
۱۸۷۴۶۸۱: ساکما:	میانه	میانج	۱۳۱۴
۱۸۷۴۶۸۱: ساکما:	سیاه چمن	قراچمن	۱۳۱۴
۲۹۳۰۰۰۰۱۵: ساکما:	بابلسر	مشهدسر	۱۳۱۵
۲۴۰۰۳۷۴۰۴: ساکما:	تکاب	تیکان تپه	۱۳۱۶
۲۴۰۰۳۷۴۰۴: ساکما:	خسرآباد	خزعل آباد	۱۳۱۶
۲۴۰۵۷۵۱۶: ساکما:	خرم کوشک	خزعلیه	۱۳۱۶
۲۴۰۵۷۵۱۶: ساکما:	گچساران	گچ قره گلی	۱۳۱۶
۲۴۰۰۹۴۶۴: ساکما:	پل دشت	قریه عرب	۱۳۱۶

در مقاطعی از حکومت رضاشاه، سیاست تغییر نام‌ها با سیاست به هم پیوستن مناطق نیز همراه شد. حسب «متحدالمال» بیست و یکم اسفند سال ۱۳۱۳ وزارت داخله و باتوجه به دستور

رضاشاه ضمن تجمیع مناطق «کرمان»، «بلوچستان» و «زابل»، نام «مکران» نیز برای آن انتخاب گردید (ساکما: ۲۴۰۰۱۷۷۵۹).

در این تغییر نام گروهی در سال ۱۳۱۴ ش. برای نخستین بار از فرهنگستان و نقش آن در تغییر نام شهرها در ابلاغیه‌ها به میان آمد (ساکما: ۲۹۷۰۲۰۲۰۴). با تأسیس فرهنگستان در سال ۱۳۱۴ ش نقش این نهاد در تغییر نام شهرها و مناطق پررنگ شد و حسن وثوق، رئیس وقت فرهنگستان، در مهرماه سال ۱۳۱۶ طی نامه‌ای به ریاست وزرا وقت، به نقش فرهنگستان در تغییر نام‌ها اشاره می‌کند (ساکما: ۵۰۲۲۳۴۳).

تغییر نام‌ها از سال ۱۳۱۵ ش و با نامه محرمانه وزارت داخله برای تمامی ایالات و ولایات با موضوع ارسال فهرست اسامی غیرایرانی روستاها و مناطق مختلف ایران برای وزارت داخله در جهت تغییر نام این مناطق، فرایندی منظم‌تر و روندی سریع‌تر به خود گرفت، اما نتایج آن در سال ۱۳۱۷ ش. به صورت تأیید تغییر نام روستاها و مناطق توسط فرهنگستان نمایان شد (ساکما: ۳۱۰۳۶۷۱۹؛ ساکما: ۳۱۸۱۸۹۱ و ساکما: ۳۱۳۲۰۹۳). از آنجایی که وظیفه اصلی این تغییر نام‌ها بر عهده کمیسیون جغرافیایی فرهنگستان بود، کار بررسی این حجم از درخواست‌ها به‌کندی پیش می‌رفت. به‌عنوان نمونه، فهرست پیشنهادی سال ۱۳۱۵ ش در ۱۳ شهریور ۱۳۱۷ با تغییر نام ۶۴ روستا در گرگان و کردستان مورد تأیید قرار گرفت (ساکما: ۳۱۰۳۶۷۱۳).

## ۵. سیاست الحاق یا تفکیک ایالات و ولایات

یکی دیگر از سیاست‌های رضا شاه در اوایل حکومت خود جهت ایجاد تمرکز قدرت سیاسی در پایتخت و نیز اجرای برنامه‌های نوگرایانه در کشور؛ تدوین و اجرای سیاست الحاق یا تفکیک ایالات و ولایات در چارچوب سازماندهی نظام مدیریت تقسیمات کشوری بود. براساس این سیاست، شهرها و مناطق بنا به مقتضیات محلی، سیاسی و اقتصادی از یک ایالت جدا و به ایالت دیگر ضمیمه می‌شدند. نگاه نظامی، امنیتی و سیاسی حکومت مرکزی به ایالات و ولایات در راستای ایجاد تمرکز و جلوگیری از استقلال سایر نواحی، در تدوین و اجرای این سیاست تأثیرگذار بود. اقدامات پیش‌دستانه حکومت مرکزی، محور این سیاست بود. در این راستا، حکومت مرکزی با توجه به وقوع رخداد‌های پیشینی در نواحی مرزی و ایلداری نشین، نسبت به تقویت نظارت و نیز ایجاد جدایی جغرافیایی و تقسیماتی در مناطقی که مستعد بروز حرکت‌های مخالف حکومت مرکزی را داشتند، اقدام کرد. بخشی دیگر از دلایل حکومت مرکزی در راستای اجرای این سیاست، به موضوع حمایت از برنامه نوین‌سازی ارتش

و اجرای قانون سربازگیری یا نظام وظیفه برمی گردد. براین اساس، حکومت مرکزی در راستای ایجاد تعادل در جذب نیروی انسانی مشمول نظام وظیفه برای لشگرهای نوین استانی و جلوگیری از هدر رفت این منابع انسانی، الحاق یا تفکیک بخش‌ها و روستاها از یک شهر به شهر دیگر را اجرا کرد.

پیش از تشکیل حکومت پهلوی اول، یعنی در سال ۱۳۰۱ ش. وظیفه الحاق یا تفکیک شهرها بر عهده مجلس شورای ملی بود. بر اساس این وظیفه، مجلس شورای ملی قانون دو ماده‌ای انفصال شهر «برقو» از حوزه حکومتی «اصفهان» و الحاق آن به حوزه حکومتی «یزد» را تصویب و به وزارت داخله سه ماه مهلت داد تا وسایل ضمیمه آن را به حکومت «یزد» فراهم سازد (ساکما: ۱۹۶۳/۲۹۰۰۰). اما در دوره ریاست وزرایی رضاخان و نیز در دوره سلطنت وی این امر از اختیارات وی، هیئت وزرا و وزارت داخله شد. در سال ۱۳۰۳ ش. وزارت داخله قصد تشکیل ایالت «لرستان» با تجمیع دو ولایت «بروجرد» و «لرستان» را داشت، اما به واسطه عملیات قشون نظامی در خوزستان از این اقدام صرف نظر نمود (ساکما: ۲۹۰۰۰۶۵۴۶). در ۲۴ تیرماه ۱۳۰۶، هیئت وزرا نظر به مصالح و مناسبات محلی مازندران و بر طبق مدلول ماده ۲۹۶ از فصل ۲ قانون تشکیل ایالات و ولایات تصویب نمود که ولایات «مازندران» و «تنکابن» و توابع آنها دارای یک حکومت و به عنوان ایالت «مازندران» نامیده شود (ساکما: ۲۴۰۰۳۹۵۲۷ و ساکما: ۲۴۰۰۱۴۳۴۶). در ۲۳ فروردین ۱۳۰۷ وزارت داخله، حکومت «چهارمحال» را ضمیمه حکومت «اصفهان» نمود و از حکومت «اصفهان» درخواست کرد تا اداره امور «چهارمحال» را بر عهده گیرد (ساکما: ۲۹۳۰۰۰۴۹۱).

این انضمام‌ها و یا انفکاک‌ها از ناحیه مردم یک منطقه یا شهر نیز درخواست می شد. به عنوان نمونه، در سال ۱۳۰۹ ش. اهالی طایفه «میلانلو» طی عریضه‌ای به وزارت داخله به دلیل سختی‌ها و ظلم و ستم‌های یارمحمد خان، از عوامل حکومتی «اسفراین»، تقاضای جدایی از حکومت «اسفراین» و انضمام به حکومت «قوچان» را مطرح کردند (ساکما: ۲۹۰۰۰۰۲۲۴). یا اهالی «سمیرم علیا» و «شش ناحیه» در سال ۱۳۱۵ ش. به دلیل نزدیکی به «اصفهان» و دوری از حوزه ایالتی «فارس»، تقاضای الحاق به ایالت «اصفهان» را مطرح نمودند (ساکما: ۱۷۹۱۵۶۶).

در ادامه این سیاست و در خردادماه ۱۳۱۱ حسب دستور رضاشاه، ایالت «آذربایجان» به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم گردید. براین اساس، ولایات «رضائیه»، «خوی»، «شاهپور»، «ماکو»، «ساوجبلاغ» و «میاندوآب» به مرکزیت «رضائیه» به ایالت «آذربایجان غربی» موسوم و بقیه ولایات ایالت «آذربایجان» که مرکز آن «تبریز» بود به ایالت «شرق آذربایجان»

تغییر نام یافت (ساکما: ۲۹۷۰۲۱۷۰۲). همچنین، بر اساس سندی با عنوان «خلاصه تغییراتی که در تقسیمات کشور شده است» که ضمیمه ماده واحده با امضای مشترک ریاست وزرا و وزیر داخله با موضوع تصویب ادارات وزارت داخله به مجلس شورای ملی ارسال شده است، نشان می‌دهد تا سال ۱۳۱۵ ش. «آذربایجان غربی» به سه ولایت «خوی»، «رضائیه» و «مهاباد» تقسیم و با این تغییر «سقز» و «بانه» از «کردستان» مجزی و ضمیمه «مهاباد» شدند. «آذربایجان شرقی» به سه ولایت «تبریز»، «اردبیل» و «مراغه» تقسیم شد.

«خراسان» از هفت ولایت «مشهد»، «قوچان»، «بجنورد»، «سبزوار»، «تربت حیدریه»، «قائنات» و «فردوس» تشکیل شد. «فارس» به پنج ولایت «آباد»، «شیراز»، «اسطهبانات»، «جهرم»، «لارستان» تقسیم گردید و با این تغییر، «بندر لنگه» از حکومت «بنادر» مجزی و با «لارستان» ولایت «لارستان» را تشکیل داد. «کرمان» به دو ولایت «کرمان» و «جیرفت» تقسیم و شهر «بابک» نیز از «یزد» مجزی و ضمیمه «کرمان» شد. در ولایات نیز تغییرات زیر به عمل آمد: «درجزین»، از توابع «عراق» ضمیمه «همدان» شد. «قم» و «ساوه» که در این زمان هر یک حکومت مستقل داشتند، با اتفاق هم ولایت «قم» و «ساوه» را تشکیل خواهند داد. «محلات» ضمیمه «گلیاگان» شد و «لرستان» به دو قسمت «لرستان» و «بروجرد» تقسیم شد. «سمنان» و «دامغان» که سابقاً مستقل بودند با همدیگر ولایت «سمنان» و «دامغان» را تشکیل دادند. «بشاگرد» از «مکران» مجزی و با «بندرعباس» توأم شد و ولایت «عباسی» را تشکیل دادند (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۴۵۵).

## ۶. تدوین و اجرای قانون جدید تقسیمات کشوری در راستای تقویت جریان نوسازی

بین سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۶ ش. بسترها و زمینه‌سازی‌های لازم برای ایجاد تحول زیربنایی در تقسیمات کشوری مهیا شد و با روی کار آمدن ابوالقاسم فروهر، به‌عنوان وزیر داخله در مهر ۱۳۱۶ ش در کابینه محمود جم، مهم‌ترین تحول و نوسازی در تقسیمات کشوری ایران رقم خورد. دوره طولانی نخست وزیری جم - که پیش از این نام خود را از مدیرالملک به جم تغییر داده بود - بستری برای سرعت بخشیدن به تفکرات باستان گرایی و نوسازی فراهم آورد. براین اساس، وزارت داخله هم زمان با درخواست از فرهنگستان برای تغییر مفاهیم تقسیمات کشوری، لایحه تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران و نیز لایحه مربوط به تشکیلات مرکزی وزارت داخله را تهیه و برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی نمود.

فرهنگستان در آبان‌ماه ۱۳۱۶ نام‌های جدیدی برای تقسیمات کشوری وضع و تصویب نمود. این نهاد، در توضیح علت انتخاب نام استان برای شش ناحیه تقسیمات کشوری و نیز انتخاب نام استاندار برای متصدی کارهای استان بیان می‌کند: «نام استان و استاندار در دوره‌های قدیم ساسانیان معمول بوده و در کتاب‌های بعد از دوره اسلامی هم دیده می‌شود» (ساکما: ۱۱۷۲۸: ۲۴۰۰). فرهنگستان همچنین در خصوص تغییر نام ولایت به شهرستان معتقد است: «کلمه شهرستان سابقه تاریخی دارد (ساکما: ۱۱۷۲۸: ۲۴۰۰). همچنین در خصوص تغییر نام بلوک به دهستان و تعیین نام دهمدار برای متصدی کارهای دهستان بیان می‌کند: «در فرهنگ‌ها و کتب قدیم به چند قریه و ده دهستان گفته می‌شده است و کلمه دهمدار در کتاب‌های قدیم دیده می‌شود و نام کسی است که به کارهای چند ده رسیدگی می‌کند» (ساکما: ۱۱۷۲۸: ۲۴۰۰). این گونه به نظر می‌رسد که فرهنگستان در راستای جریان قوی و گسترده باستان‌گرایی در دوره رضاشاه، (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۴۳۶ و کرونین، ۱۳۸۳: ۲۰۱) برای تغییر مفاهیم تقسیمات کشوری به گذشته باستانی ایران نظر داشته است و وجود این اصطلاحات در دوران باستانی ایران را مبنای تصمیم‌گیری برای تغییر نام اجزای تقسیمات کشوری قرار داده است.

در نهایت لوایح دولت راجع به تشکیلات مرکزی وزارت داخله و راجع به تقسیمات کشور و وظایف حکام پس از بررسی در کمیسیون داخله، در مجلس شورای ملی مطرح سرانجام به تصویب رسید.

فرهنگستان نیز نسبت به تغییر نام مفاهیم تقسیمات کشوری اقدام نمود و ریاست وزرا این تغییرات را طی بخشنامه‌هایی ر آبان ۱۳۱۶ به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ کرد. بر اساس تصمیم فرهنگستان، هر یک از شش ناحیه تقسیمات کشوری موجود به استان تغییر نام یافته و متصدی کارهای استان، استاندار (بازرس استان) نامیده شد. همچنین هر یک از پنجاه ولایت به شهرستان تغییر نام پیدا کرد و حاکم شهرستان، فرماندار (فرمانگزار) نامیده شد. هر یک از تقسیمات ولایتی به بخش تغییر نام یافت و متصدی کارهای بخش، بخشدار نامیده شد. بلوک نیز به دهستان تغییر نام پیدا کرد و متصدی کارهای بلوک دهمدار نامیده شد (ساکما: ۲۹۷۰۰۸۴۴۹؛ ساکما: ۳۱۰۳۶۷۱۳).

کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه به شش استان و پنجاه شهرستان تقسیم گردید و هر استان مرکب از چند شهرستان و هر شهرستان مرکب از چند بخش و هر بخش مرکب از

۲۳۰ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

چند دهستان و هر دهستان مرکب از چند قصبه خواهد بود (ساکما، ۲۴۰۰۱۴۳۶۴ و ساکما، ۲۴۰۰۱۸۱۱۶).



نقشه ۱. نقشه تقسیمات کشوری بر اساس قانون مصوب آبان‌ماه ۱۳۱۶

اگرچه قانون‌گذار در مجلس هدف از این نوع تقسیم‌بندی را جلوگیری از تمرکز اداره امور در وزارت داخله و تفویض اختیار در بعضی امور به استان‌ها اعلام کرد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۱، جلسه: ۹، یکشنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۱۶ ه.ش)، اما به نظر می‌رسد تبدیل ایالات و ولایات متعدد ایران به شش استان، فرایند ابلاغ قوانین نوگرایانه به کل کشور و پیگیری برای اجرای این قوانین را کوتاه و نظارت بر اجرای آن را سهل‌تر می‌نمود و نه تنها از تمرکز امور در پایتخت نمی‌کاست، بلکه این تمرکز را افزایش داد و نیز برای وزارت داخله کار نظارت را راحت‌تر می‌کرد. به عبارت دیگر، وزارت داخله، مجموعه استانداری را به‌عنوان ستاد خود در استان‌ها شکل داده بود و از این طریق بر جریان امور، به‌ویژه بر فرایند اجرای برنامه‌های نوگرایانه رژیم، نظارتی دقیق‌تر و سریع‌تر داشت (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۱، جلسه: ۱۱، روز پنجشنبه ۶ آبان‌ماه ۱۳۱۶ ه.ش).

قانون‌گذار در خصوص نحوه تعیین و نام‌گذاری استان‌ها در پی تمرکز و کوچک‌سازی و نیز به دنبال نوگرایی تغییر پیشینه و خصوصیات تاریخی ایالات با هدف نوسازی ظاهری بود.



## تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۳۱

به نظر می‌رسد وزارت داخله ابتدا بر اساس سابقه موجود در آن وزارتخانه طبق الگوی تقسیمات ارتش نوین ایران که شامل لشکر شمال غرب، لشکر غرب، لشکر جنوب، لشکر شرق و بعدها لشکر شمال (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۰۱-۲۰۲) اقدام به تأسیس ادارات شمال، جنوب، شرق و غرب در حوزه تقسیمات کشوری نمود.

وزارت داخله حدود دو ماه پس از تصویب قانون تقسیمات کشوری در آبان ۱۳۱۶ راجع به اصلاح قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران را با دو ماده تقدیم مجلس شورای ملی کرد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۱، جلسه: ۱۹، روز یکشنبه ۵ دی ماه ۱۳۱۶ ه.ش).

در این لایحه، کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه به ده استان و چهل و نه شهرستان تقسیم می‌شود. هر استان مرکب از چند شهرستان و هر شهرستان مرکب از چند بخش و هر بخش مرکب از چند دهستان و هر دهستان مرکب از چند قصبه و ده خواهد بود (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۱، جلسه: ۱۹، روز یکشنبه ۵ دی ماه ۱۳۱۶ ش. و ساکما، ۲۳۰۰۰۰۱۲۴ و ۲۹۳۰۰۱۲۷۹).



نقشه ۲. نقشه تقسیمات کشوری بر اساس قانون مصوب دی ماه ۱۳۱۶

در دوره حکومت رضاشاه و تا سال ۱۳۱۴ ش، یعنی دو سال پیش از تصویب قانون تقسیمات کشوری، تعداد صد ولایت در کشور وجود داشت (ساکما: ۲۹۳۰۰۱۲۸۳) که در قانون جدید سال ۱۳۱۶ ش تبدیل به ۴۹ شهرستان و ۲۴۴ بخش شدند. در واقع، تعداد زیاد ولایاتی که حکام آن به موجب فرمان پادشاه و تصویب وزارت داخله منصوب می‌شدند، پیش از تصویب قانون جدید مشکلاتی چند را در پی داشت. فزونی این ولایت در تعارض با برنامه‌های تمرکزگرایانه بود و باعث می‌شد نظارت وزارت داخله بر آنها مشکل باشد و نیز تأمین هزینه اجرایی آنها دشوار گردد. بنابراین، در قانون جدید تعداد استان‌ها و شهرستان‌هایی که استاندارها و فرماندارهای آنها به صورت مستقیم با وزارت داخله سروکار داشتند به عدد ۵۶ کاهش پیدا کرد و به این ترتیب دغدغه اصلی وزارت داخله مبنی بر مراجعات مکرر و تلگراف‌های متعدد به این وزارتخانه به نصف کاهش یافت. همچنین، با افزایش واحدهای عملیاتی این وزارتخانه در سطح بخش و دهستان و قصبه کار اجرای برنامه‌های نوگرایانه اقتصادی و اجتماعی حکومت روان‌تر شد.

استفاده از عناوین جغرافیایی برای تعیین نام استان‌ها، محدودیتی در نام‌گذاری استان‌های جدید ایجاد می‌کرد. باتوجه به این که تعداد شهرهای زیرمجموعه استان‌هایی که بر اساس عناوین جغرافیایی نام‌گذاری شده بودند به بیش از ۱۶ شهرستان می‌رسید و کار استانداران برای نظارت با مشکل مواجه می‌کرد و نیز هیچ سنخیتی از نظر جغرافیایی و طبیعی بین شهرستان‌های زیرمجموعه یک استان وجود نداشت، پس وزارت داخله با استفاده از عدد برای تعیین نام استان‌ها، مشکل محدودیت نام‌گذاری‌های استان‌های جدید و نیز مسئله تعداد شهرهای زیرمجموعه استان‌ها و موضوع نظارت استاندارها بر این شهرستان‌ها (در قانون جدید تعداد شهرستان‌های زیرمجموعه یک استان به صورت میانگین به ۶ شهرستان کاهش یافت) و همچنین موضوع عدم تناسب جغرافیایی و طبیعی شهرستان‌های زیرمجموعه استان‌ها در قانون قبلی را بر طرف کرد.

نتایج حاصل از تطبیق جمعیت استان‌های یکم تا دهم نشان می‌دهد که قانون‌گذار در تعیین تعداد شهرستان‌های زیرمجموعه هر استان، جمعیت ساکن در تقسیمات جدید را نیز مدنظر قرار داده است. به عبارت دیگر، شاخص جمعیت یکی از ملاک‌های تعیین شهرستان‌های هر استان بود. بر اساس این شاخص، اینگونه به نظر می‌رسد که جمعیت استان‌های مرزی غیر از استان پنجم، یعنی استان‌های سوم، چهارم، ششم، هفتم و هشتم، به صورتی در نظر گرفته شده است که جمعیت آنها بین پانصد هزار تا هشتصد هزار نفر را در برداشته باشد.

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۳۳

بدین صورت، کار نظارت و مدیریت این استان‌ها توسط حکومت مرکزی با اطمینان و اتقان بیش‌تری صورت می‌گرفت و از بروز و شکل‌گیری کانون‌های مخالفت با حکومت مرکزی جلوگیری به عمل می‌آمد. جمعیت سایر استان‌ها، یعنی استان‌های یکم، دوم، پنجم، نهم و دهم از یک میلیون و دویست هزار نفر تا یک میلیون پانصد هزار نفر در نظر گرفته شد. در خصوص ایجاد استان پنجم، این‌گونه به نظر می‌رسد که قانون‌گذار برای کاهش جمعیت مناطق لرنشین و کردنشین مخالف با حکومت مرکزی نسبت به ایجاد این استان مرزی کردنشین که پیش از این مشکل امنیتی را برای حکومت پهلوی ایجاد نکرده بودند، با سرانه جمعیتی بالاتر اقدام کرد. درواقع از این طریق از ایجاد اتحاد بین کردها و لرهای مخالف حکومت با کردها و لرهای ساکن در این استان که در برابر حکومت مرکزی تمکین کرده بودند، جلوگیری شد.

جدول ۲. جمعیت ایالات و ولایات ایران در سال ۱۳۱۴ ش

ردیف	نام استان	نام شهرستان	جمعیت	جمع کل	منبع
۱	استان یکم	رشت	۳۱۹,۸۴۲	۱,۳۴۳,۷۲۲	سند شماره ۲۹۳۰۰۱۲۸۳
۲		قزوین	۳۴۵,۹۶۱		
۳		ساوه	۱۴۶,۴۷۱		
۴		سلطان‌آباد	۱۴		
۵		زنجان	۳۴۲,۹۰۱		
۶		شهرسوار	۱۸۸,۵۴۷		
۷	استان دوم	قم	۱۴۳,۲۰۸	۱,۴۲۱,۰۶۴	
۸		کاشان	۱۵۶,۵۳۵		
۹		تهران	۷۸۴,۰۹۸		
۱۰		سمنان	۶۱,۲۳۷		
۱۱		ساری	۱۳۸,۱۲۹		
۱۲		گرگان	۱۳۷,۸۵۷		
۱۳	استان سوم	اردبیل	۳۹۷,۶۲۴	۷۵۶,۹۹۰	
۱۴		تبریز	۳۵۹,۳۶۶		

۲۳۴ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۷۳۳.۹۶۴	۱۴۷.۹۸۴	خوی	استان چهارم	۱۵
	۱۷۴.۱۶۱	رضائیه		۱۶
	۱۲۲.۱۴۹	مهاباد		۱۷
	۲۱۷.۲۱۶	مراغه		۱۸
	۷۲.۴۵۴	بیجار (گروس)		۱۹
۱.۴۵۲.۳۶۴	۶۸.۵۴۹	ایلام (پشت کوه)	استان پنجم	۲۰
	۱۳۱.۲۵۹	شاه آباد (باوندپور)		۲۱
	۳۰۷.۲۵۸	کرمانشاهان		۲۲
	۲۹۴.۲۹۱	سنندج		۲۳
	۲۶۱.۹۰۲	ملایر		۲۴
	۳۸۹.۱۰۵	همدان		۲۵
۵۳۰.۶۷۳	۱۸۵.۴۴۲	خرم آباد	استان ششم	۲۶
	۱۱۶.۶۹۰	گلپایگان		۲۷
	۱۰۲.۲۶۱	اهواز		۲۸
	۱۲۶.۲۸۰	خرمشهر		۲۹
۷۹۰.۸۷	۹۸.۹۰۲	بهبهان	استان هفتم	۳۰
	۳۷۲.۲۵۴	شیراز		۳۱
	۶۱.۴۱۳	بوشهر		۳۲
	۸۳.۶۱۱	فسا		۳۳
	۹۱.۶۶۳	آباده		۳۴
	۸۲.۲۴۴	لار		۳۵
۴۵۵.۵۲۷	۱۲۸.۹۴۸	کرمان	استان هشتم	۳۶
	۶۱.۱۲۵	بم		۳۷
	۱۱۳.۳۲۱	بندرعباس		۳۸

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۳۵

		۲۴	خاش		۳۹
		۱۵۲.۱۳۳	زابل		۴۰
	۱.۴۴۷.۴۳۸	۱۸۷.۹۱۱	بیرجند	استان نهم	۴۱
		۱۶۵.۲۸۹	تربت حیدریه		۴۲
		۴۱۴.۰۳۲	مشهد		۴۳
		۲۳۱.۳۶۴	قوچان		۴۴
		۱۷۱.۴۱۴	بجنورد		۴۵
		۱۹۰.۵۲۴	سبزوار		۴۶
		۸۶.۰۹۴	گناباد		۴۷
	۱.۲۹۵.۷۵۲	۷۴۴.۸۲۵	اصفهان	استان دهم	۴۸
		۵۵۰.۹۲۷	یزد		۴۹

**۷. نوگرایی در عناصر تقسیمات کشوری در راستای حمایت از برنامه‌های نوین حکومت مرکزی و ایجاد تمرکز سیاسی**

نظام اداری حکومت قاجاریه در ابتدای تأسیس این سلسله، مبتنی بر فعالیت عناصری از مستوفیان و میرزاهایی بود که این مشاغل را به صورت موروثی برعهده داشتند. این عناصر تا زمان روی کار آمدن رضاشاه دستخوش تغییر نشدند و نظام اداری ایران همچنان از آنها برای تصدی مشاغل اداری و سیاسی استفاده می‌کرد (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۰۸-۲۰۷). رضاشاه بر خلاف شاهان قاجار به هیچ ایل و طایفه‌ای تکیه نداشت. به همین دلیل، وی می‌بایست در ساخت نظام اداری مورد نظر خود غیر از نظامیان طرفدار خود، به طبقه جدیدی نیز تکیه می‌کرد. این طبقه جدید که رضاشاه با تکیه بر آن توانست نظام اداری خود را ایجاد نماید، طبقه متوسط شهری بود که با استفاده از سیستم نوین آموزشی این دوره تربیت شده بود.

۲۳۶ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

جدول ۳. آمار آموزشگاه‌ها، شاگردان، آموزگاران و فارغ‌التحصیلان از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۰۱ ش.  
(منبع: ساکما، ۸۸۳۳۴۷ سالنامه آماری وزارت فرهنگ، سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۱۸، ص ۲۸۸ - ۲۸۰)

سال	تعداد آموزشگاه‌ها	تعداد شاگردان	تعداد آموزگاران	آمار فارغ‌التحصیلان دوره ابتدایی			آمار فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه			آمار فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزش عالی
				پسر	دختر	جمع	پسر	دختر	جمع	
۱۳۰۱	۶۱۲	۵۵.۱۳۱	۳.۰۳۴	۷۹۸	۱۸۰	۹۷۸	۲۹	۰	۲۹	۱۵
۱۳۰۲	۱.۴۹۳	۷۶.۳۶۷	۵.۴۶۹	۸۸۷	۳۰۹	۱.۱۹۶	۳۷	۰	۳۷	۲۸
۱۳۰۳	۲.۳۳۶	۱۰۸.۹۵۶	۶.۰۸۶	۱.۲۹۶	۳۱۳	۱.۶۰۹	۵۷	۰	۵۷	۶۶
۱۳۰۴	۳.۲۸۵	۱۳۲.۶۹۴	۷.۵۰۱	۱.۴۹۶	۳۸۰	۱.۸۷۶	۷۷	۰	۷۷	۵۱
۱۳۰۵	۳.۱۷۷	۱۳۷.۴۹۶	۸.۱۱۸	۱.۸۰۵	۴۵۱	۲.۲۵۶	۱۱۰	۰	۱۱۰	۶۴
۱۳۰۶	۳.۵۰۲	۱۵۰.۸۱۱	۸.۴۶۵	۲.۳۳۳	۶۶۹	۲.۹۹۲	۱۳۹	۰	۱۳۹	۷۷
۱۳۰۷	۳.۳۰۰	۱۵۳.۹۲۹	۸.۳۹۷	۲.۳۷۸	۷۶۲	۳.۱۴۰	۱۸۸	۴۰	۱۴۸	۴۳
۱۳۰۸	۳.۶۴۴	۱۶۳.۳۶۴	۹.۱۵۰	۲.۹۶۷	۱.۰۲۹	۳.۹۹۶	۲۰۵	۶۶	۱۳۹	۳۴
۱۳۰۹	۳.۶۴۳	۱۸۱.۶۹۸	۹.۴۹۴	۳.۵۳۵	۱.۱۲۹	۴.۶۶۴	۳۳۲	۴۸	۲۸۴	۶۸
۱۳۱۰	۴.۱۸۱	۲۰۰.۹۲۶	۱۰.۰۷۱	۴.۲۴۹	۱.۳۸۴	۵.۶۳۳	۳۷۴	۹۵	۲۷۹	۷۴
۱۳۱۱	۴.۶۶۴	۲۱۶.۰۲۶	۱۰.۴۱۰	۴.۱۱۳	۱.۳۰۴	۵.۴۱۷	۴۳۱	۱۲۰	۳۱۱	۱۱۵
۱۳۱۲	۴.۸۵۳	۲۳۳.۲۸۲	۱۱.۰۹۴	۴.۸۰۶	۱.۷۳۰	۶.۵۳۶	۶۰۶	۲۳۵	۳۷۱	۱۰۲
۱۳۱۳	۵.۳۳۹	۲۵۵.۶۷۳	۱۱.۰۹۱	۵.۳۸۷	۱.۸۶۶	۷.۲۵۳	۹۷۸	۲۶۵	۷۱۳	۱۸۳
۱۳۱۴	۴.۹۳۹	۲۵۸.۲۷۵	۱۱.۵۴۳	۶.۶۳۱	۲.۲۵۳	۸.۸۸۴	۷۴۸	۲۱۱	۵۳۷	۳۰۵
۱۳۱۵	۸.۰۳۶	۳۹۴.۵۴۱	۱۲.۰۹۶	۷.۵۴۲	۲.۴۶۵	۱۰.۰۰۷	۸۵۵	۲۷۸	۵۷۷	۳۶۷

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۳۷

۳۲۱	۱,۱۱۸	۳۵۶	۷۶۲	۱۳,۸۰۹	۳,۳۶۷	۱۰,۴۲۲	۱۳,۰۷۸	۴۵۷,۲۳۶	۸,۳۳۱	۱۳۱۶
۳۲۱	۱,۰۸۶	۴۱۱	۶۷۵	۱۶,۲۳۳	۳,۹۳۰	۱۲,۳۰۳	۱۳,۰۷۸	۴۵۷,۲۳۶	۸,۳۸۱	۱۳۱۷
۴۵۲	۱,۶۱۸	۵۸۱	۱,۰۳۷	۱۵,۸۴۰	۴,۲۷۲	۱۱,۵۵۸	۱۳,۱۳۸	۴۹۰,۴۳۰	۸,۰۶۶	۱۳۱۸
۵۱۶	۱,۶۳۰	۶۲۳	۱,۰۰۷	۱۷,۵۴۱	۴,۷۲۱	۱۲,۸۲۰	۱۳,۶۴۶	۴۹۸,۸۴۰	۸,۲۳۷	۱۳۱۹

بر پایه چنین نظام آموزشی ای حکومت موفق شد بخش اعظم کارمندان نظام اداری ۹۰ هزار نفری خود را برای پر کردن وزارتخانه‌های دربار، داخله، جنگ، مالیه، خارجه، معارف (فرهنگ)، فلاحت (کشاورزی)، صنایع و معادن و تجارت، پست و تلگراف و تلفن، طرق (راه)، فوائد عامه و عدلیه تربیت کند (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۱۲۵). در میان این وزارتخانه‌ها، نقش وزارت داخله در ایجاد تمرکز سیاسی پس از وزارت جنگ حائز اهمیت بود و گردانندگان آن می‌بایست از بین نیروهای نوگرایی تربیت شده در سیستم نوین آموزشی دوره رضا شاه انتخاب می‌شدند. عناصر تقسیمات کشوری ایران در دوره ریاست وزرایی رضاخان و نیز در دوره سلطنت او شامل حاکمان نظامی و مقامات کشوری بودند. مقامات کشوری عمدتاً از اخلاف نوگرایی خاندان‌های اداری زمان قاجاریه و کارکنان نظام اداری جدید بودند. این اعضای جدید ساختار تقسیمات کشوری از نظر سیاسی حامی اقدامات و فعالیت‌های نوگرایانه و تمرکزگرایانه رضاشاه محسوب می‌شدند و با این ایده، مناصب سیاسی ایالات و ولایات را قبول می‌کردند. در واقع، از زمان ریاست وزرایی رضاخان و نیز دوران سلطنت وی، مقام والی‌گری دیگر جزو ملک طلق، شاهزادگان، اشراف‌زادگان متمول و سیاستمداران قدرتمند نبود، بلکه عموماً نظامیان و کارمندان وابسته به دولت به این مناصب گمارده می‌شدند (Iran Political Diaries, Volume 8, 1997: 124-125-287).

باتوجه به جایگاه ویژه نظامیان در زمان ریاست وزرایی رضاخان و نقش مهم و تأثیرگذار آنها در ترقی و ترفیع وی به مقام سلطنت و نیز سرکوب مخالفت‌ها و ایجاد تمرکز قدرت در ایران، برتری دادن آنها بر مقامات کشوری و پذیرفتن رأی و نظر آنان در امر مملکت‌داری و حکمرانی ایالات امری متداول بود (ارجمند، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۷). باتوجه به اوضاع نابسامان امنیتی در بخش‌هایی از ایالات ایران و نیز در استان‌های ایلات‌نشین در دوران سلطنت پهلوی اول، سیاست به‌کارگیری نظامیان طرف‌دار وی رویه غالب وزارت داخله این زمان بود. در این راستا، رضاشاه شخصاً برای این مناطق افرادی را از نظامیان و به‌عنوان والی نظامی آن منطقه انتخاب می‌کرد.

این فرماندهان نظامی ایالت‌ها عمدتاً در امور مقامات کشوری مداخله می‌کردند و در بعضی مواقع حتی مناصب آن‌ها را غصب می‌کردند. به‌عنوان مثال، در ایالت خراسان سرتیپ جان محمد خان، فرمانده نظامی منطقه خراسان پس از مدتی که به این سمت منصوب شد به‌زور نیرنگ و دسیسه نه‌تنها منصب کفالت ایالت، بلکه مناصب مهمی چون کفالت آستان قدس و کفالت شهرداری را نیز از آن خود کرد (ارجمند، ۱۳۸۸: ۵۷). البته همه حاکمان ایالات به‌آسانی زیر بار نمی‌رفتند و در بعضی مواقع علیه فرمانده نظامی ایالتی اقدام می‌کردند. به‌عنوان نمونه، حشمت‌الدوله حاکم ایالت خراسان در سال ۱۳۰۳ ش. حاضر نبود در امور مربوط به ایالت با امیر لشکر خزاعی مشورت کند و در مکاتبات اداری نیز احترامات لازم را نسبت به فرمانده نظامی خراسان به جا نمی‌آورد. حشمت‌الدوله به امیر لشکر خزاعی اعلام کرد که فرمانده نظامی باید فعالیت خود را بر حوزه خود محدود کند و وی هیچ‌گونه مداخله‌ای توسط نظامیان را در امور اداری ایالت نظیر انتصاب زیردستان والی را تحمل نخواهد کرد (ارجمند، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۱).

رضاشاه در انتخاب حاکمان کشوری ایالات نیز به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم مداخله می‌کرد. تیمورتاش در سال ۱۳۰۷ ش. از طرف رضاشاه پیشنهاد والی‌گری خراسان را که جزو ایالات مهم محسوب می‌شد به سید حسن تقی‌زاده ارائه می‌دهد و وی پس از مشورت با دو تن از دوستانش، این سمت را قبول می‌نماید (تقی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۱۴). وزیر داخله وقت، محمود جم، با کسب موافقت قبلی رضاشاه در خصوص انتصاب مهدی فرخ به حکومت آذربایجان غربی، نسبت به ارائه پیشنهاد به وی اقدام می‌نماید و والی جدید قبل از عزیمت به محل مأموریت با شخص شاه دیدار و دستورات لازم را دریافت می‌کند (فرخ، ۱۳۴۸: ۳۵۰). نامزد سمت حکمرانی ایالات این امکان را داشت حتی در صورتی که وزیر داخله موافقت رضاشاه را برای انتصاب وی به سمت والی‌گری ایالتی کسب کرده باشد، از پذیرش آن امتناع نماید. به‌عنوان نمونه، مهدی فرخ پیشنهاد والی‌گری ایالت خوزستان یا بنادر را نپذیرفته و دلیل عدم پذیرش را عدم هماهنگی قبلی با خود اعلام نمود (فرخ، ۱۳۴۸: ۳۴۸-۳۴۹).

رضاشاه در انتخاب حاکمان کشوری ایالات حتی از افرادی که در دربار سابق قاجاریه دارای سمت بودند نیز استفاده کرد. به‌عنوان مثال، شهاب‌الدوله، رئیس تشریفات دربار سابق، به‌عنوان حاکم کردستان انتخاب شد (بهبودی، ۱۳۷۲: ۲۷۷). رضاشاه در مواقعی هم نسبت به انتصاب بستگان خود در امر حکمرانی ایالات نیز اقدام نمود. به‌عنوان نمونه، انتخاب مجلل‌الدوله دولتشاهی، پدرهمسر رضاشاه، به حکومت کرمانشاهان براین اساس بود (بهبودی، ۱۳۷۲: ۲۷). در انتخاب و معرفی حاکمان ایالات به رضاشاه غیر از وزیر داخله افراد



تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۳۹

متنفذ دیگری هم تأثیرگذار بودند. به عنوان نمونه انتخاب سید مصطفی خان کاظمی برای حکومت کرمان در سال ۱۳۱۱ ش. و نیز انتخاب میر ممتاز به عنوان حاکم چهارمحال در سال ۱۳۰۹ ش. با دخالت مستقیم تیمورتاش، وزیر دربار قدرتمند رضاشاه، صورت گرفت (فرخ، ۱۳۴۸: ۵۷۷ و ساکما: ۲۹۳۰۰۷۳۴۹).

انتخاب حکام ولایات بر عهده والیان ایالات بود، اما انتصاب آن توسط حکومت مرکزی انجام می شد و این فرایند طی بخشنامه شماره ۹۴۸۶ مورخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۷ به تمام حکام ایالات اعلام شد و بر اساس آن هرگونه عزل و نصب و انتقال مأمورین حوزه ایالتی می بایست با اطلاع و تصویب وزارتخانه داخله صورت پذیرد (ساکما: ۲۹۳۱۹۰۰۲ و ساکما: ۲۹۳۰۰۰۴۷۰). این امر حاکی از تمرکز قدرت در پایتخت و حضور قدرت سیاسی مرکزی در تمامی سطوح تقسیماتی کشوری در این دوره بود. این رویه مورد اعتراض حکام نیز قرار گرفت. به عنوان نمونه، حسن تقی زاده، حاکم ایالت خراسان و سیستان، در اسفندماه ۱۳۰۷ طی مکتوبی از این روش کاری وزارت داخله انتقاد و خواهان اختیارات بیشتر برای حکام در عزل و نصب حکام و مأمورین دولتی شد، اما به این مخالفتها ترتیب اثری داده نشد و این سیاست در طول دوره حکومت رضاشاه ادامه یافت (ساکما: ۲۹۳۰۰۰۴۷۰).

## ۸. نتیجه گیری

تا پیش از حکومت پهلوی اول، خواست اصلی روشنفکران و اندیشمندان ایرانی تمرکز بیشتر نظام اداری و تغییر و تحول در حوزه تشکیلات دیوانسالاری بود. اما اقدامات طرفداران استبداد و نیز تبعات جنگ جهانی اول سبب شد که تحولات عمده در نظام اداری و نظارت و تمرکز بیش تر دولت در این دوره اجرایی نگردد. با روی کار آمدن سلسله پهلوی یکی از رویکردهای اصلی و مهم آن ایجاد تمرکز سیاسی در مرکز کشور با هدف توسعه و گسترش برنامه های نوگرایانه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی در اقصی نقاط کشور ایران بود. تغییر ساختار وزارت داخله، تدوین لایحه تغییر حوزه بندی اداری مملکتی بر طبق اصول و قواعد علمی، تدوین نظام نامه جدید وظایف حکام، تغییر نام شهرها، روستاها و بخشها، الحاق یا تفکیک استانها، شهرها، بخشها و روستاها و استفاده از عناصر نظامی به عنوان حکمران در نواحی مرزی و نیز در مناطق دارای مسئله های امنیتی همراه با بهره گیری از اخلاف خاندانهای اداری زمان قاجاریه و کارکنان نظام اداری جدید که از نظر سیاسی حامی اقدامات و فعالیت های

نوخواهانه، تمرکزگرایانه و امنیت‌آفرین رضاخان محسوب می‌شدند، از جمله این اقدامات بود که به تمرکز سیاسی قدرت و حمایت از برنامه‌های نوگرایانه حکومت منجر شد.

با تصویب نسخه اول قانون تقسیمات کشوری در جلسه ۱۶ آبان سال ۱۳۱۶ دوره یازدهم مجلس شورای ملی و اصلاح آن در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۱۶ کشور ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. این قانون بازوان نظارتی حکومت در اقصی‌نقاط کشور برای نظارت بر اجرای برنامه‌های نوگرایانه اش را تقویت نمود. در این فرایند وزارت داخله در گام نخست نسبت به شناسایی و تعیین استانداران، فرمانداران و بخشداران و اندک زمانی بعد دهمداران برای استان‌ها، شهرستان‌ها، بخش‌ها و روستاها اقدام نمود. در گام دوم نیز نسبت به ایجاد زیرساخت‌های لازم از جمله ایجاد راه‌های مواصلاتی و ساختمان‌های اداری برای این تقسیمات جغرافیایی اقدام شد. با این دو اقدام، دسترسی حکومت مرکزی به اقصی‌نقاط کشور و حتی روستاها فراهم شد. از این طریق اعمال نظارت بر روند اجرای برنامه‌های نوسازی دولت پهلوی اول نیز مهیا شد و عناصر حکومتی با ارسال گزارش‌های روزانه به وزارت داخله بسترهای این امر را فراهم کردند. سایر وزارتخانه‌ها نسبت به تطبیق ساختار اداری‌شان و ایجاد واحدهای اداری در سطوح استانی، شهرستانی و حتی بخش‌ها و روستاهای تقسیمات کشوری جدید با هدف اعمال برنامه‌های نوگرایانه حکومت در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز اقدام نمودند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. د ۳۰ سند نام و جمعیت سلطان آباد وجود نداشت.
۲. در سند نام و جمعیت خاش وجود نداشت.

## کتاب‌نامه

### اسناد:

محل نگهداری: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛  
شناسه بازیابی: ۲۹۲۰۰۵۴۰۹؛ شناسه بازیابی: ۲۹۰۰۰۱۹۶۳؛ شناسه بازیابی: ۲۹۳۰۰۰۴۹۱؛ شناسه  
بازیابی: ۲۴۰۹۶۵۰۸؛ شناسه بازیابی: ۲۹۱۰۰۲۰۰۲؛ شناسه بازیابی: ۲۹۳۰۰۴۴۵۵؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۳۴۱۴۶۲؛ شناسه بازیابی: ۲۹۰۰۰۶۴۰۴؛ شناسه بازیابی: ۲۹۳۰۰۶۰۸۷؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۷۰۰۵۱۵۸؛ شناسه بازیابی: ۲۹۱۰۰۰۲۷۹؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۰۱۳۸۵۳؛ شناسه  
بازیابی: ۲۴۰۰۱۸۵۸۲؛ شناسه بازیابی: ۲۳۰۰۰۷۸۹؛ شناسه بازیابی: ۲۹۳۰۰۱۳۷۵؛ شناسه

## تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۴۱

بازیابی: ۲۴۰۰۱۸۸۵۴؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۰۱۷۳۴۹؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۰۲۱۱۴۶؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۳۰۰۰۰۱۵؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۵۷۵۱۶؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۰۳۷۴۰۴؛ شناسه  
بازیابی: ۲۴۰۵۷۵۱۶؛ شناسه بازیابی: ۴۰۰۳۷۴۰۴؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۰۰۹۴۶۴؛ شناسه  
بازیابی: ۲۴۰۰۱۷۷۵۹؛ شناسه بازیابی: ۲۹۷۰۳۸۴۳۳؛ شناسه بازیابی: ۲۹۷۰۲۰۲۰۴؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۷۰۳۹۹۹۰؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۰۲۲۹۶۹؛ شناسه بازیابی: ۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸؛ شناسه  
بازیابی: ۱۸۷۴۶۸۱؛ شناسه بازیابی: ۵۰۲۲۳۴۳؛ شناسه بازیابی: ۳۱۰۳۶۷۱۹؛ شناسه بازیابی: ۳۱۳۲۰۹۳؛  
شناسه بازیابی: ۳۱۸۱۸۹۱؛ شناسه بازیابی: ۳۱۰۳۶۷۱۳؛ شناسه بازیابی: ۲۹۰۰۰۱۹۶۳؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۰۰۰۶۵۴۶؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۰۳۹۵۲۷؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۰۱۴۳۴۶؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۳۰۰۰۴۹۱؛ شناسه بازیابی: ۲۹۰۰۰۰۲۲۴؛ شناسه بازیابی: ۱۷۹۱۵۶۶؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۷۰۲۱۷۰۲؛ شناسه بازیابی: ۲۹۳۰۰۴۴۵۵؛ شناسه بازیابی: ۲۹۱۰۰۲۰۰۲؛ شناسه  
بازیابی: ۲۴۰۰۱۱۷۲۸؛ شناسه بازیابی: ۲۹۷۰۰۸۴۴۹؛ شناسه بازیابی: ۲۴۰۰۱۸۱۱۶؛ شناسه  
بازیابی: ۲۴۰۰۱۴۳۶۴؛ شناسه بازیابی: ۲۳۰۰۰۰۱۲۴؛ شناسه بازیابی: ۲۳۰۰۰۲۹۴۰؛ شناسه  
بازیابی: ۸۸۳۳۴۷؛ شناسه بازیابی: ۲۹۳۰۰۱۲۸۳؛ شناسه بازیابی: ۲۹۰۰۰۲۱۹۹؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۱۰۰۱۷۸۵؛ شناسه بازیابی: ۳۵۰۷۰۹۹؛ شناسه بازیابی: ۲۹۳۳۲۱۷۶؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۳۰۰۷۳۴۹؛ شناسه بازیابی: ۲۹۳۱۹۰۰۲؛ شناسه بازیابی: ۲۹۳۰۰۰۴۷۰؛ شناسه  
بازیابی: ۲۹۳۰۰۰۴۷۰.

### کتابها

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۳). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.

ارجمند، محمد (۱۳۸۸). شش سال در دربار پهلوی، به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: پیکان.

آصف، محمدحسن (۱۳۸۴). مبانی ایدئولوژیک حکومت در دوران پهلوی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). تبارشناسی هویت جدید ایران، عصر قاجار و پهلوی اول. تهران: علمی و فرهنگی.

بهبودی، سلیمان (۱۳۷۲). رضاشاه (خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی)، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران: طرح نو.

تقی زاده، حسن (۱۳۶۸). زندگی طوفانی (خاطرات سید حسن تقی زاده)، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.

دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی، ج ۴، تهران: عطار و فردوس.

۲۴۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

فرخ، سید مهدی (۱۳۴۸). خاطرات سیاسی فرخ معتمد السلطنه، تهران: جاویدان.  
کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۸۰). دولت و جامعه در ایران، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.  
کرونین، استفانی (۱۳۸۳). رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضاشاه، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.

کرونین، استفانی (۱۳۷۷). ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: خجسته.

کیهان، مسعود (۱۳۱۱). جغرافیای مفصل ایران (سیاسی)، تهران: مطبعه مجلس.

لمبتون، آن. ک (۱۳۷۵). ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، تهران: جاودان خرد.

مدیر شانه چی، محسن (۱۳۷۹). تمرکزگرایی و توسعه‌نیافتگی در ایران معاصر، تهران: رسا.

#### اسناد بریتانیا:

Iran Political Diaries 1881–1965, Volume 8, Editor: R. M. Burrell, Archive Editions Ltd; 1st edition (June 30, 1997)

#### سالنامه‌ها

سالنامه آریان، ۱۳۱۶ ه.ش، به کوشش بهرام آریان، تهران.

سالنامه پارس، ۱۳۰۷ ه.ش، به کوشش امیر جاهد، تهران.

سالنامه پارس، ۱۳۰۹ ه.ش، به کوشش امیر جاهد، تهران.

سالنامه پارس، ۱۳۱۱ ه.ش، به کوشش امیر جاهد، تهران.

#### مذاکرات مجلس

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۶، جلسه ۷۲، لیله سه‌شنبه شانزدهم اسفند ۱۳۰۵ ش.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۱، جلسه ۱۱، روز پنجشنبه ۶ آبان‌ماه ۱۳۱۶ ش.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۱، جلسه ۱۲، روز یکشنبه ۱۶ آبان‌ماه ۱۳۱۶ ش.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۱، جلسه ۹، یکشنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۱۶ ش.